

## در آستانه ی یک انقلاب

این مقاله در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۱۷ نگاشته شد، یعنی زمانی که نخستین اخبار ناآرامی در پتروگراد به نیویورک رسیده بود.

خیابان های پتروگراد، به زبان سال ۱۹۰۵ سخن می گویند. درست مانند دوره ی جنگ روسیه و ژاپن، توده ها خواهان نان، صلح، و آزادی هستند. درست مانند سال ۱۹۰۵، اتومبیل ها در خیابان از حرکت ایستاده اند و روزنامه ای به چشم نمی خورد. کارگران می گذارند بخار از دیگ های بخار برخیزد، نیمکت های خود را ترک می کنند و به خیابان ها می ریزند. حکومت، قزاق ها را بسیج می کند. درست مانند سال ۱۹۰۵، همان دو قدرت در خیابان با یک دیگر رو در رو می شوند: کارگران انقلابی و ارتش تزار.

نبود نان، جرقه های جنبش را روشن کرد. این البته یک علت تصادفی نیست. در تمامی کشورهای متخاصم، نبود نان، فوری ترین و حادثترین دلیل نارضایتی و خشم در میان توده هاست. کل جنون جنگ از این زاویه برای آن ها فاش می شود: تولید مایحتاج از این رو ناممکن است که باید ابزار مرگ را تولید کرد.

با این حال، تلاش های نهادهای خبری نیمه رسمی انگلیسی- روسی برای توضیح جنبش با کمبود موقت مواد غذایی، یا نابودی حمل و نقل به دلیل طوفان های برف، مضحک ترین شکل استفاده از سیاست کسانی است که همچون کبک سر خود را زیر برف می کنند. کارگران به خاطر طوفان هایی که موقتاً ارسال مواد غذایی را مختل کرده نیست که کارخانه و اتومبیل های

خیابان و چاپ خانه ها را تعطیل و متوقف می کنند و برای رویارویی مستقیم با تزار به خیابان ها می ریزند.

مردم حافظه ی کوتاه مدتی دارند. بسیاری در میان صفوف خود ما فراموش کرده اند که جنگ، روسیه را در وضعیت جوش و خوش نیرومند انقلابی یافت. پس از بُت سنگین سال های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۱، پرولتاریا به تدریج زخم ها خود را در سال های بعدی رفاه صنعتی التیام بخشید؛ کشتار اعتصاب کنندگان در رودخانه ی لنا در آوریل ۱۹۱۲، انرژی انقلابی توده های پرولتر را بیدار کرد. یک سلسله اعتصابات از پی آن آمد. در سال منتهی به جنگ جهانی، موج اعتصاب های اقتصادی و سیاسی، مشابه اعتصابات ۱۹۰۵ بود. وقتی «پوانکاره»، رئیس جمهور جمهوری فرانسه، در تابستان ۱۹۱۴ به پتروگراد آمد (تا آشکارا با تزار بر سر چگونگی آزادی ملل کوچک تر و ضعیف بحث کند)، پرولتاریای روسیه در مرحله ی تنش انقلابی فوق العاده ای بود، و رئیس جمهور جمهوری فرانسه می توانست با چشمان خود در پایتخت دوستش، تزار، ببیند که چگونه نخستین سنگرهای دومین انقلاب روسیه در حال ساخته شدن هستند.

جنگ، مانع موج روبه صعود انقلابی شد. ما تکرار آن چه که ده سال پیش رخ داد را در جنگ روسیه و ژاپن شاهد بوده ایم. پس از اعتصابات طوفانی سال ۱۹۰۳، سالی از سکوت سیاسی تقریباً ناشکسته به دنبال آمده بود، یعنی سال ۱۹۰۴، نخستین سال جنگ. برای کارگران پترزبورگ دوازده ماه وقت گرفت که جهت خود را در جنگ باز بیابند و با مطالبات و اعتراضات شان به خیابان ها بریزند. ۹ ژانویه ی ۱۹۰۵، در واقع به نوعی آغاز رسمی نخستین انقلاب ما بود.

جنگ کنونی، وسیع تر از جنگ روسیه و ژاپن است. میلیون ها سرباز از سوی حکومت برای «دفاع از سرزمین پدری» بسیج شده اند. صفوف پرولتاریا به همین دلیل غیرمتشکل شده است. از سوی دیگر، عناصر پیشروتر پرولتاریا مجبور بودند که در ذهن خود با پرسش هایی در ابعاد بی سابقه رو به رو شوند و آن ها را بسنجند: علت جنگ چیست؟ آیا پرولتاریا باید مفهوم «دفاع از سرزمین پدری» را بپذیرد؟ تاکتیک های طبقه ی کارگر در دوره ی جنگ چه باید باشد؟

در این بین، تزاریزم و متحدین آن، گروه های بالاتر نجیب زادگان و بورژوازی، در طول دوره ی جنگ کاملاً ماهیت حقیقی خود را افشا کرده بودند. ماهیت چپاول گران جانی که حرص بی حد و مرز، آن ها را کور و فقدان استعداد، فلج ساخته بود. ولع برای پیروزی باند حاکم، تا به حدی رشد کرد که مردم رفته رفته ناتوانایی کامل آن را برای حل ابتدایی ترین مسائل جنگ، صنعت و تدارکات دوره ی جنگ دریافتند. هم زمان، فلاکت مردم رشد کرد، عمیق تر شد و بیش از پیش رو به وخامت گذاشت. این یک نتیجه ی طبیعی جنگ بود که هرج و مرج جنایت کارانه ی تزاریزم روسیه چندين برابر کرده بود.

در زیر پوست توده های عظیم، در میان مردمی که شاید هرگز یک کلمه تبلیغات به گوش شان نرسیده، یک ناخوشنودی ژرف زیر فشار رویدادها انباشته شد.

در همین بین، پیشروترین صفوف پرولتاریا، هضم کردن رویدادهای جدید را به پایان می رساندند. پرولتاریای سوسیالیست روسیه، پس از شوک سقوط ناسیونالیزم تأثیرگذارترین بخش «بین الملل»، از راه رسید، و به این نتیجه

رسید که دوران جدید، نه توقف ما، که افزایش مبارزه ی انقلابی مان را طلب می کند.

رویدادهای کنونی در پتروگراد و مسکو، نتیجه ی این فعالیت مقدماتی داخلی است.

یک حکومت غیرمتشکل، از هم گسیخته و به خطر افتاده در بالا؛ یک ارتش کاملاً مأیوس؛ نارضایتی، عدم اطمینان و ترس در میان طبقات مالک؛ ناخشنودی عمیق در بین توده ها؛ پرولتاریایی که به لحاظ کمی نیرومندتر از هر زمان دیگری بود، در آتش رویدادها آبدیده شده بود. همه ی این ها، این گفته را تأیید می کند که ما شاهد آغاز دومین انقلاب روسیه هستیم. بیایید امید داشته باشیم که بسیاری از ما، شرکت کنندگان در این انقلاب خواهیم بود.

لئون تروتسکی

ژانویه ۱۹۱۷

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۳